شنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۳
شماره ۴۳۰۳
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

ارز نیمایی رسما از سیستم اقتصادی کشور حذف می‌شود؛ دولت می‌گوید این تصمیم با هدف تسریع در بازگرداندن ارز حاصل از صادرات و عمق‌بخشی به بازار ارز انجام شده، آیا تمهیدات لازم برای جهش احتمالی قیمت در نظر گرفته شده است؟

نیما افسانه شد

فرهیختگان

براساس اطلاعیه‌های بانک مرکزی ایران، در راستای تسهیل تجارت خارجی کشور، توسعه بازار ارز تجاری و مدیریت بازار ارز، از شنبه ۲۴ آذرماه نرخ ارز نیما و از یکم بهمن‌ماه نیز سامانه نیما به طور کامل حذف می‌شود. بر این اساس، ۱- کشف قیمت در ایـــن بازار مبتنی بر عرضه و تقاضا خواهد بود. ۲- این سیاســـت جدید شـــامل تجمیع انواع معاملات ارزی، ازجمله ارز نیما، در بازار ارز تجاری (توافقی) است. ۳- تمام شـــعب ارزی شبکه بانکی به سامانه ارز تجاری متصل می‌شـــوند. ۴- عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان اجازه دارند نسبت به انجام معامله بر اساس نرخ‌های توافقی اقدام کنند. ۵- فرایند کار سامانه به این شـــکل اســـت که یک تخصیص معتبر به همراه ریال از جانب بانک تقاضاکننـــده و یک کوتاژ صادراتی به همراه ارز دریافتی یا مورد تأیید بانک به عنوان بانک فروشنده وارد سامانه می‌شود. ۶- صرافی‌ها و تراستی‌ها طرف بانک قرار می‌گیرند و عامل بانکند و درنتیجه هیچ تغییری در شرایط تراستی‌ها رخ نمی‌دهد. بانک براساس شرایط ارز، آن را در اختیار واردکننده قرار می‌دهد. درحقیقت فرایند جورسازی یا مچینگ توسط بانک بین صادرکننده و واردکننده انجام می‌شود. ۷- قیمت می‌تواند در دامنه ۳ درصد حرکت رو به بالا داشته باشـــد و یا رو به پایین و محدودیتی برای آن وجود ندارد و این یک استاندارد معاملاتی است که در معاملات بین‌المللی وجود دارد. هدف این است که دامنه نوسان در یک دایره منطقی نگه داشته شود تا بازار دچار بی‌ثباتی نشود. ۸- برای انجام معاملات، تقاضای کارمزد ارزی از ســـوی بانک‌ها تخلف اســـت. ۹- درحال حاضر، کل معاملات ارزی کشـــور به ۳ بخش تقسیم می‌شود. حدود ۲۵ درصد مربوط به معاملات ارز ترجیحی یعنی کالاهای کشاورزی، دارو و تجهیزات پزشکی است. ۵۰ درصد معاملات مربوط به نیما و ۲۵ درصد هم بازار ارز اشـــخاص است. بانک مرکزی می‌گوید بازار یا تابلوی ارز تجاری مرکز مبادله در ابتدا برای ارز اشـــخاص طراحی شده است. ۱۰- با پیشنهاد دولت و موافقت مجلس در سال آینده ۱۲ میلیارد دلار به نرخ ۳۸۵۰۰ برای واردات کالاهای اساسی و دارو، تخصیص داده می‌شود. گرچه برخی از کارشناسان نسبت به تبعات این سیاست جدید هشدار می‌دهند و معتقدند در کوتاه‌مدت ممکن است با افزایش نرخ ارز، قیمت‌ها تغییر کند اما بســـیاری از اقتصاددانان از مزیت‌های مختلف بازار ارز تجاری سخن می‌گویند. به گفته آنان، مزیت اول این ســـامانه، حرکت به سمت تک‌نرخی شـــدن ارز خواهد بود. دومین مزیت، افزایش ارز حاصل از صادرات است. مورد ســـوم، شفافیت و کارایی بیشتر در بازار ارز است. مورد چهارم، حذف تقاضای کاذب و کاهش فشـــار ارزی از بازار غیررسمی است. مورد پنجم، توقف لاشه‌فروشی و مورد ششم، شکل‌گیری بازار واقعی و قابل پایش است.

سامانه نیما اصلاً بازار نبود

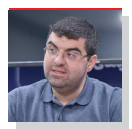

مجید شاکری، اقتصاددان در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره بازار ارز توافقی اظهار داشت: «بازار ارز توافقی چیزی نیست که به‌خاطر آمدن یا نیامدن ترامپ متولد شـــده باشد. زیرساخت این بازار در مرکز مبادله از یک ســـال و نیم آغاز شده و چیزی به‌مراتب بیشتر از سامانه حراج است. به بیان بهتر شـــکل‌گیری این بازار نیازمند مجموعه‌ای از نهادسازی‌ها برای ایجاد یک بازار امن، شفاف و همگن بود. آنچه تحت عنوان سامانه نیما در گذشته شناخته می‌شد، اصلاً بازار نبود؛ نیما محلی برای اظهار قیمت معامله توسط دو طرف معامله ارزی بود. این معامله می‌توانست هر عددی باشد و ما چیزی به نام قیمت نیما نداشتیم.»

وی افزود: «از ســـال ۱۴۰۱ به بعد، برای این قیمت اظهاری در نیما سقف تعیین شـــد. به بیان بهتر قیمت ارز از ۳۹ هزار تومان شروع و برای آن سقف معینی برای معاملات مشخص شد. این سقف قیمتی اثری بر میانگین قیمت تمام‌شده ارز برای واردکننده نداشت. اگرچه افرادی می‌توانستند با قیمتی حتی پایین‌تر از محدوده تعیین‌شده دسترسی داشته باشند، افراد دیگری باید با قیمت تمام‌شده بسیار بالاتر از بازار آزاد در نیما خرید می‌کردند تا بتوانند دغدغه‌ها و موانع قانون را برای واردات خود برطرف کنند. بررســـی این نمونه‌ها نشان می‌دهد با وجود هزینه‌های جانبی (اعم از قانون و غیرقانونی) که واردکننده به جز ریال پرداختی برای خرید نیما پرداخت می‌کرد، قیمت تمام‌شده برای متقاضی معادل هزینه با نرخ بازار آزاد منهای هزینه‌های قانونی آن بود.»

افزایش سقف نیما هزینه‌های قانونی و غیرقانونی را شفاف کرد

شـــاکری تصریح کرد: «باید توجه داشت که در اینجا کالای همگنی وجود ندارد که امکان بازارســـازی برای آن وجود داشته باشد. برای مثال میان دلار چین با هنگ‌کنگ و آلمان هم از جهت نوع و هم قیمت تفاوت وجود دارد. از یک جا به بعد فرایند افزایش ســـقف نیما آغاز شد. آیا افزایش سقف نیما سبب شد هزینه تمام‌شـــده قیمت ارز برای واردکننده افزایش پیدا کند؟ نه! فقط باعث شد هزینه‌های قانونی و غیرقانونی که علاوه بر قیمت نیما ردوبدل می‌شد، شفاف‌تر شـــود. باید تأکید کرد میانگین بازار را در نظر می‌گیریم، یعنی بعضی شـــرکت‌ها هستند که هزینه آن‌ها بیشتر و برخی هزینه‌هایشان کمتر شده و هزینه بعضی کسب‌وکارها نیز ثابت مانده است. میانگین همیشه براســـاس بازار آزاد منهای هزینه‌های قانونی محاسبه می‌شود و نه براساس تغییرات سقف قیمتی نیما.»

لاشه‌فروشی متوقف می‌شود

شاکری درباره جمع شدن فرایندهای غیررسمی بازار در نتیجه فعالیت بازار توافقی ارز عنوان کرد: «اگر بخواهیم به چیستی بازار ارز توافقی پاسخ دهیم؛ باید توجه داشـــته باشیم که این فضا واقعاً از جنس بازار است. به بیان بهتر صادرکننده ارز ناشی از صادرات خود را به بانک رسمی می‌سپارد. این اقدام در چهارچوب عملیات نگهداشت در غالب طرفین تضامنی تحت قرارداد با بانک رسمی انجام می‌شود. در نتیجه دیگر چیزی به نام لاشه‌فروشی نداریم. برای مثال امکان اینکه کسی کوتاژ ارز بفروشد که در آن ارز نباشد، یا سهمیه خود را بدون اینکه ارز وجود داشته باشد بفروشد که منجر به نوسانات متعدد ارزی شود از بین خواهد رفت. یکی از ملموس و معروف‌ترین نمونه‌های آن نوســـانات ارزی در ۴۱ تیرماه سال ۹۹ رخ داد. از سوی دیگر نیز واردکننده تقاضای خود را به بانک عامل خود می‌دهد.»

بازار توافقی ارز پایش‌پذیر است

شـــاکری تصریح کرد: «از آنجایی که شـــکل‌های مختلف ارز در ترازنامه بانکی جمع می‌شود مثل اســـتخر ارز کار می‌کند که تفاوت‌های قیمتی را حداکثـــر در کارمزد بانک می‌بیند و یک دارایی همگن وجود دارد. در نتیجه در یک بازار بدون نام حراج شکل می‌گیرد. علاوه بر این در لایه بعدی چون بانک به واریز پول به حساب واردکننده متعهد است، پایش صورت می‌گیرد تا این اطمینان حاصل شـــود که پول به حساب نشسته است. در سیستم نیما ارز تخصیص می‌یافت، فردی که متعهد بود ارز را به حساب نمی‌گذاشت، تخصیص باطل می‌شـــد و فرد پس از ۲۸ روز به صف برمی‌گشت. این امر یکی از علل مهم ایجاد صف طولانی در نیما بود. در سیســـتم جدید امکان پایش این روند فراهم شده است.»

فراتر از تغییر قیمت؛ یک نهاد جدید در حال متولد شدن است

وی در ادامـــه گفت: «موضوع فراتر از تغییر قیمت صرف اســـت. یک نهاد جدید در صدد ایجاد اســـت که هیچ ارتباطی با ارز ۴۲۰۰ تومانی ندارد. کالاهای مشـــمول ارز ۴۲۰۰ تومانی عموماً شامل کالاهای اساسی بود. تفاوت بین قیمت تمام‌شـــده کالایی که واردکننده پرداخت می‌کرد با قیمت بازار آزاد خیلی زیاد بود. به همین علت زمانی که ارز ۴۲۰۰ تومانی حذف می‌شد شاهد یک شـــوک قیمتی بودیم. این بازار دست‌کم ۴ ماه به‌صورت آزمایشی کار کرده و ســـپس رونمایی شده است. همین حالا این قیمت با قیمت بازار آزاد منهای هزینه‌های قانونی یکسان محاسبه می‌شود. در نتیجه به‌طور میانگین اصلاً تغییر قیمتی رخ نمی‌دهد؛ بلکه شـــیوه کشف قیمت و پایش نشست پول به حساب واردکننده تغییر یافته و ساختارمند شده است. ما توانستیم در شرایط تحریم چیزی شبیه به ساختار پرداخت رسمی ایجاد کنیم که خیلی باارزش اســـت. من تعجب می‌کنم چگونه برخی افراد با این ساختار مخالفند.»

تغییر ریل ارزی کشور ربطی به تغییر قیمت بازار آزاد ندارد

شاکری در پایان یادآور شد: «به‌طور میانگین و برای کل کالاها انتظار نداریم این رویه تغییر تورمـــی قابل‌توجهی ایجاد کند. آیا این تغییر منجر به تغییر در قیمت بازار آزاد می‌شـــود؟ به هیچ وجه! چرا که قیمت تمام‌شده ارز برای واردکننده از بازار آزاد محاسبه می‌شده است نه معکوس آن. آیا ممکن است فردا قیمت‌ها افزایش یا کاهش پیـــدا کند؟ بله؛ اما افزایش قیمت‌ها به این موضوع ارتباطی ندارد. عوامل بسیار زیادی هستند که می‌توانند منجر به افزایش قیمت شوند. برخی افراد می‌گویند افزایش سقف نیما سبب شده قیمت بازار آزاد کاهش پیدا کند یا تثبیت شود چون انگیزه صادرکننده از صادرات بیشتر شـــده است. این حرف دقیق نیست؛ این حرف در ابتدای زمان تعیین سقف که هنوز افراد راه فرار آن را پیدا نکردند صحیح اســـت، اما زمانی که دو سال گذشته و همه راه فرار را پیدا کردند، این جمله خیلی دقیق و درست نیست.»

افزایش نرخ رسمی محصول تورم است نه عامل آن

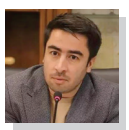

مهدی دارابی، مدیر گروه پولی و مالی مرکز پژوهش‌های مجلس در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره رونمایی از بازار توافقی ارز توســـط بانک مرکزی تصریح کرد: «افزایش نرخ رسمی ارز و برداشتن سقف آن، به معنای افزایش تورم نیســـت. این موارد خود محصول تورم بالای چند سال اخیرند. درنتیجه طبیعی اســـت نرخ تورم نیز بالا برود؛ چراکه این رابطه‌ای اســـت معکوس. اما اینکه آیا این اقدامات درستند یا نه، باید گفت که بله، این کارها در شرایط کنونی ضروری است. هرگونه تثبیت در هر برهه‌ای، درواقع موجب جهش‌های بعدی خواهد شـــد. به همین دلیل، بهتر است نرخ ارز از حالا تعدیل شـــود. در مورد امکان ثابت نگه داشتن نرخ نیما، باید گفت این امر غیرممکن بود، درست همانطور که نتواستیم نرخ‌های ۱۲، ۲۶ یا ۴۲۰۰ را حفظ کنیم. دلایل زیادی وجود دارد که ثابت نگه داشتن نرخ ارز در سطوح پایین را غیرممکن کرده است. علاوه بر این، اگر نرخ نیما را با فاصله معناداری نسبت به بازار غیررسمی تثبیت می‌کردیم، عملاً صادرات را تنبیه و واردات را تشـــویق کرده بودیم. این اقدام فشار مضاعفی به موازنه پرداخت خارجی وارد می‌کرد. موازنه پرداخت خارجی کشـــور تحت فشارهای مختلفی قرار دارد، ازجمله تورم‌های مزمن. اگر نرخ رســـمی ارز تثبیت می‌شد، تقاضا به شـــدت بیشتر از عرضه می‌شد، چون نرخ جذاب‌تر می‌شد. از سوی دیگر، صادرکنندگان انگیزه‌ای برای بازگشت ارز و سرمایه‌گذاری در حوزه صادرات نداشتند، که فشار مضاعفی به وضعیت اقتصادی وارد می‌کرد. به همین دلیل، تثبیت نرخ‌ها به نفع کشور نبوده است.»

آیا ارز توافقی با حذف ارز ۴۲۰۰ فرق می‌کند؟

دارابی تکمیل کرد: «ســـؤالی که در اینجا مطرح می‌شـــود این است که آیا راه‌اندازی بازار ارز توافقی اقدام قابل مقایســـه با حذف ارز ۴۲۰۰ است؟ بایـــد گفت بله، ولی تفاوت‌هایی هم وجود دارد. در حذف ارز ۴۲۰۰، نرخ ارز ترجیحی به شـــدت افزایش یافت (۴۰۰ تا ۶۰۰ درصد)، اما اگر نرخ نیمایی حذف شود یا به بازار آزاد نزدیک‌تر شود، رشد نرخ محدودتر خواهد بود؛ شـــاید حدود ۴۰ درصد. در مورد ارز ۴۲۰۰، کالاهای محدود و زیر نظر دولت وارد می‌شدند اما در مورد ارز نیمایی، تنوع کالاها بیشتر است و نظارت بر قیمت نهایی این کالاها عملاً غیرممکن بود. اگر روند نرخ ارز را در سال‌های اخیر بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که هرچند نرخ رسمی ارز با تورم بالا همراه بوده اما در بازار، مردم کالاها را با نرخ‌های بالاتری خریداری کرده‌اند. این نشان می‌دهد نرخ نیمایی در کالاهای وارداتی قابل نظارت نبوده اســـت. افزایش نرخ نیمایی ممکن است تأثیراتی بر قیمت‌ها داشته باشد اما این تغییرات همواره با انتظارات تورمی و تغییرات در تولید مرتبط است.»

توافقی شدن نرخ ارز پایان بازار غیررسمی نیست

دارابی ادامه داد: «نکته اینجاست که افزایش نرخ ارز بدون شک باعث افزایش قیمت‌ها می‌شود. وقتی که تثبیت ارز را در یک زمان خاص انجام می‌دهیم، در آینده برای تغییر آن فشـــار زیادی وارد می‌شود. تولیدکنندگان که تا امروز قیمت‌های خود را بر اساس نرخ نیمایی تعیین می‌کردند، در صورت افزایش نـــرخ ارز، بلافاصله به دنبال افزایش قیمت‌ها خواهند بود. البته این افزایش ممکن است موقتی باشد، چون در نهایت بسیاری از تولیدکنندگان برای مواد اولیه خود به نرخ‌های غیررســـمی تکیه دارند و از این رو قیمت‌ها را تعدیل خواهند کرد. در نهایت، افزایش نرخ ارز لزوماً باعث تورم نمی‌شـــود. تورم همواره محصول عدم تعادل‌های کلان اقتصادی و مشکلات اساسی در تولید و توسعه است. مادامی که این مشکلات برطرف نشوند، هیچ‌کس نباید انتظار ثبات قیمت‌ها را داشته باشـــد. نرخ ارز، مثل سایر کالاها و خدمات، تابع شـــرایط اقتصادی است و باید در چهارچوب واقعیت‌های اقتصادی تثبیت شود، نه دستوری و مصنوعی. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا بازار غیررسمی ارز از بین خواهد رفت؟ در شرایط کنونی، با وجود محدودیت‌های وارداتی و مشکلات تجاری، این بازار همچنان باقی خواهد ماند. مهم این اســـت که فاصله بین نرخ‌های رسمی و غیررسمی معنادار نباشد و تفاوت‌ها در حد معقولی باقی بماند.»

تجهیز بازار ارز به مکانیسم روسی

وی همچنین درباره مشابهت این بازار به بورس ارز روسیه تصریح کرد: «برای درک بهتر وضعیت بازار ارز در ایران، باید یک گام به عقب برداریم و تاریخچه و ویژگی‌های بازارهای مالی مختلف را مرور کنیم. در چند دهه گذشـــته، اصطلاحاتـــی چون «بازار مالی» یا «بازار ارز» در ایران به کار رفته که برای درک دقیق‌تر آن‌ها باید تفاوت‌های موجود میان انواع بازارها را شفاف‌تر توضیح داد. بـــه طور کلی، دو نوع بازار مالی در دنیا وجود دارد: بازارهای OTC و بازارهای اکسچنج مارکت. بازار OTC (Over-the-Counter) بازارهایی هستند که به طور سازمان‌یافته و با یک سیستم مرکزی مدیریت نمی‌شوند. این بازارها معمولاً به صورت معاملات دوطرفه و در قالب قراردادهای غیررسمی انجام می‌شـــوند. سامانه نیما یکی از مثال‌های این نوع بازار است که در آن ارز میان اشـــخاص به صورت غیررسمی و از طریق توافقات دوبه‌دو مبادله می‌شـــود. این نوع مبادلات فاقد استانداردهای معاملاتی مشخص و اتاق پایاپایی هستند که بتواند معاملات را استاندارد کند.»

مدیر گروه پولی و مالی مرکـــز پژوهش‌های مجلس ادامه داد: «در مقابل، بازارهای اکسچنج مارکت که به آن‌ها بازارهای مبادله‌ای نیز گفته می‌شود، مانند بورس تهران یا بورس ارز در روســـیه، ساختاری سازمان‌یافته و شفاف دارند. در این نوع بازار، قیمت‌ها از طریق تابلوهای معاملاتی تعیین می‌شوند و یک اتاق پایاپای برای نظارت و استانداردسازی قراردادها وجود دارد. این بازارها از قواعد خاص خود تبعیت کرده و قابلیت معاملات گســـترده‌تر و سازمان‌یافته‌تری را فراهم می‌آورند. اما سؤال اینجاست که آیا اکسچنج مارکت بهتر از بازارهای OTC است؟ پاسخ به این سؤال بستگی به نیازهای مختلف دارد. هرکدام از این بازارها مزایا و معایب خاص خود را دارند، اما بازارهای اکســـچنج مارکت این امکان را به ما می‌دهند که یک بازار عمده‌فروشی ارز داشته باشیم و بتوانیم مشـــتقات ارزی را در آن تعریف کنیم. همچنین این بازارها امکان مداخـــلات مؤثرتر و کاراتر بانک مرکزی را فراهم می‌آورند، به‌ویژه در زمانی که سیاســـت‌های ارزی کشـــور نیاز به اصلاح و ساختار جدید داشته باشد.»

یک زیرساخت شفاف

دارابی در ادامه گفت: «یک مثال قابل مقایسه، بورس کالا است که در ایران به عنوان یک زیرســـاخت مهم در تجارت کالا شناخته می‌شود. این بورس کمک زیادی به مدیریت انتظارات و سرمایه‌گذاری در کشور کرده و می‌تواند بـــه ثبات اقتصادی و ارزی کمک کند. بازار توافقی ارز، به عنوان یکی دیگر از زیرســـاخت‌های مهم، به طور خاص در انتقال مبادلات از سامانه نیما به بازارهای آزاد نقش ایفا می‌کند. اما باید توجه داشـــت که این بازار، همانند سایر زیرساخت‌های اقتصادی ایران، همچنان در معرض مداخلات دستوری دولت قرار دارد. در حالی که نرخ ارز در بازار توافقی یک گام به جلو بوده و تا حدی به ثبات بیشتری دست یافته است؛ همچنان قابلیت تحت تأثیر قرار گرفتن از سیاست‌های دستوری وجود دارد. امیدواریم در آینده این بازار بتواند به گونه‌ای عمل کند که نوســـانات ارز در کشور کنترل شده و از دخالت‌های ناپایدار جلوگیری شود. در نهایت، می‌توان گفت ساختار جدید بازارهای ارز در ایران می‌تواند به ایجاد یک بازار آزادتر، شفاف‌تر و با ثبات‌تر کمک کند.»

بانک مرکزی با سیاست ارتباطی انتظارات تورمی را کنترل کند

دارابی همچنین درباره اقدامات مکمل بانک مرکزی در راستای کاهش تبعات ناشـــی از انتظارات تورمی افزود: «برای درک بهتر وضعیت تورم در کشور، بایـــد به این نکته توجه کنیم که بانک مرکزی تنها با گفتار درمانی نمی‌تواند انتظارات تورمی مردم را کنترل کند. گرچه سیاســـت‌های کلان اقتصادی، عامل اصلی تورم مزمن در کشور است، اما این موضوع فراتر از تصمیمات اقتصادی در سطح دولت و حتی حاکمیت می‌باشد. یکی از ابزارهای بانک مرکزی در مدیریت این چالش‌ها، سیاست ارتباطی است که در آن، این نهاد اهداف خاصی را تعیین و تلاش می‌کند با اســـتفاده از ابزارهای موجود، به این اهداف دست یابد. سیاست ارتباطی بانک مرکزی، به زبان ساده، شامل مجموعه‌ای از اقدامات روانی و رســـانه‌ای است که در آن، این نهاد به مردم اطلاع‌رسانی می‌کند و اهدافی مانند نرخ سود، کمیت‌های پولی یا نرخ ارز را مشخص می‌ســـازد. برای اینکه این اهداف تأثیرگذار باشد، باید قابلیت دسترسی و باورپذیری داشته باشد و بانک مرکزی باید ابزارهایی برای اجرایی کردن آن‌ها در اختیار داشته باشد.»

دارابی یادآور شـــد: «به عنوان مثال، اگر بانک مرکزی هدف خود را این‌گونه تعیین کند که رشد نرخ ارز نباید از ۳۰ درصد سالانه بیشتر شود، این هدف، کاملاً معقول و قابل دستیابی است. در این صورت، بانک مرکزی می‌تواند با استفاده از ابزارهای خود، از پس این هدف برآید و جامعه به راحتی آن را باور می‌کند. اما اگر بانک مرکزی بخواهد هدفی مانند ثابت نگه داشتن نرخ ارز را اعلام کند، این هدف ممکن است از ابتدا برای مردم غیرواقعی به نظر برسد و هیچ‌کس آن را جدی نخواهد گرفت. در چنین شرایطی، بانک مرکزی اعتبار خود را از دســـت می‌دهد و نمی‌تواند انتظارات مردم را به درستی مدیریت کند. امید است که با اصلاح سیاست‌های ارتباطی و گسترش ابزارهای مورد اســـتفاده، از جمله ایجاد بازار پول متشکل و عمیق‌تر، بانک مرکزی بتواند اهداف واقع‌بینانه‌تری تعیین کند و از طریق اقناع مردم، این اهداف را به تحقق برساند. در این صورت، می‌توان انتظار داشت که بانک مرکزی با ابزارهایی که در اختیار دارد، تا حد معقولی انتظارات تورمی را کنترل کرده و از رشـــد بی‌رویه نرخ‌ها جلوگیری کند.»

مرحله گذار از تثبیت نرخ ارز

مدیـــر گروه پولـــی و مالی مرکز پژوهش‌های مجلـــس در پایان عنوان کرد: «بازار ارز توافقی هیچ ارتباط مســـتقیمی با دولت‌ها ندارد. طبق اطلاعات موجود، بانک مرکزی از ســـال‌ها پیـــش پیگیر اجرای چنین طرحـــی بوده و این موضوع به‌طور خاص بـــه دولت‌ها ربطی ندارد. با این حال، نکته‌ای که باید در نظر گرفته شـــود، این اســـت که مهم‌ترین پیش‌نیاز برای عملیاتی شـــدن بازار توافقی، گذر از نگاه تثبیت نرخ ارز است. در دولت‌های مختلف، نگاه‌ها نسبت به نرخ ارز و نحوه مدیریت آن تفاوت‌هایی داشـــته اســـت. در دولت گذشته، فشار زیادی از سوی دولت بر بانک مرکزی برای تثبیت نرخ ارز وارد می‌شـــد. اما در دولت فعلـــی، با توجه به اظهارات وزیر اقتصاد و رئیس جمهور، این فشـــارها عملاً کاهش یافته و دولت به‌طور غیرمستقیم کمک کرده تا بازار توافقی به‌طور جدی‌تری اجرا شود.»

کاهش تنبیه صادرات و تشویق واردات

امیرمحمد گلوانی، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با روزنامـــه «فرهیختگان» عنوان کرد: «اقدام اخیر بانک مرکزی در افزایش نرخ ارز نیما از ۴۰ تا ۵۴ هزار تومان، اقدام مثبتی است، زیرا اولا این اقدام منجر به بازگشت ارز حاصل از صادرات می‌شود، ثانیا منجر به افزایش حاشیه سود شرکت‌های صادراتی خواهد شـــد و ثالثا سو بسید واردکننده را حذف کرده و صادرکننده را تشویق می‌کند.» وی افزود: «فاصله و شکاف بین نرخ ارز نیما و بازار آزاد به معنای حمایت از واردکننده به صورت سو بســـید است. در سال ۱۴۰۲ دیدیم که با افزایش فاصله بین نرخ دلار نیما و آزاد، تخصیص ارز به مشکل جدی خورده بود به نحوی که در ســـه‌ماهه ابتدایی ســـال ۱۴۰۳، حداقل تخصیص ارز رخ داد و بسیاری از واردکنندگان و صنعتگران از روند و میزان تخصیص ارز به شـــدت گلایه‌مند شـــده بودند.» گلوانی اشاره کرد: «اگر تولیدات برخی از داروسازان ما را ببینید، مخصوصا آن دسته از تولیدکنندگان کـــه ماده موثره تولید می‌کنند و نیاز به واردات دارند، عمدتا تولید خود را به دلیل عدم تخصیص ارز کاهش دادند و مشکلات شدیدی ایجاد شد. افزایش فاصلـــه ۳۰ الی ۴۰ درصدی بین نـــرخ نیما و دلار آزاد مطلقا قابل پذیرش نیست و سیاست فعلی دولت، سیاست درستی است.»

الگویی از سیستم ارزی روسیه

این کارشـــناس اقتصادی در ادامه گفت: «آنچه انتظارات تورمی را رهبری می‌کند و منجر به افزایش تورم در کوتاه‌مدت می‌شود، دلار بازار آزاد است. این حرف بدین معناست که دلار بازار آزاد خودش در بلندمدت حتما معلول تورم اســـت، اما در کوتاه‌مدت می‌تواند یک رابطه دوسویه نیز با تورم ایجاد کند. حالا اینکه نرخ ارز ترجیحی و دلار نیما چقدر باشد، به نظر بنده تاثیری بر انتظارات تورمی مردم و تورم ندارد. این موضوع بارها در کشـــورهایی که نظام چندنرخی ارزی دارند، تجربه شده است.»

گلوانـــی تاکید کرد: «با وجود اینکه دلار نیما از نرخ ۴۰ به بیش از ۵۰ هزار تومان افزایش یافت و کشـــور دچار شـــوک‌های ژئوپلیتیکی و ریسک‌های سیاسی شده و برای بار اول وارد درگیری مستقیم با اسرائیل شده بود، دیدیم که دلار آزاد ۷۰ هزار تومانی در فروردین ســـال ۱۴۰۳ اکنون هم در همان رنج قیمتی مثلا ۷۳ هزار تومان است و تغییری نکرده است، درحالی که نرخ نیما افزایش چشمگیری یافت.»

وی گفت: «اخیرا بانک مرکزی سیاست خود را به سمت بازار ارز توافقی برده است، این اقدامی در واکنش به بازگشت ترامپ و پیش‌بینی محدودیت‌های جدید بر ارزآوری نفتی کشور است و بانک مرکزی ناگزیر است که این اقدام را انجام دهد و به نظر بنده نوعی درس گرفتن از تجربه بانک مرکزی روسیه در مواجهه با تحریم‌های غرب بود.»

این کارشـــناس اقتصادی اظهار داشت: «بانک مرکزی روسیه دو اقدام مهم انجـــام داد که یکی از آنها افزایش نرخ بهره و دیگری ایجاد بازار ارز رقابتی بود. این سیاست در جهت ارزآوری صادرکنندگان روسی یک سیاست مثبتی محسوب می‌شود و در روسیه جواب داد.»

بازار توافقی انگیزه بازگشت ارز را افزایش می‌دهد

گلوانی بیان کرد: «سیاســـت جدید بانک مرکزی منجر به افزایش حاشـــیه سود شـــرکت‌های صادرکننده می‌شود و تاثیر مثبتی بر بازار سهام دارد و در شرایطی که بازار سهام سرکوب شود، تشویق به سفته‌بازی در بازار دلار افزایش می‌یابد. به نظرم بانک مرکزی و وزارت اقتصاد در اقدام خود به خوبی به این موضوع وافق بوده‌اند.»

وی افزود: «سیاست ارزی دولت باید به سمت تثبیت نرخ حقیقی بازار ارز غیررسمی باشـــد؛ یعنی آنچه بر تورم اثر دارد و آن را راهبری می‌کند، نرخ ارز بازار آزاد اســـت نه نرخ ارز نیمایی سابق یا توافقی فعلی. اما افزایش نرخ نیما می‌تواند در کوتاه‌مدت منجر به افزایش تورم تولیدکننده شـــود ولی نوعا به عنوان یک عامل تورم‌زا نیســـت؛ چراکه منجر به خلق نقدینگی مازاد بر رشد تولید نمی‌شود.»

این کارشـــناس اقتصادی گفت: «هر آنچه بتواند موتور رشد نقدینگی را به صورت فزاینده‌ای روشـــن کند و نقدینگی ما را به صورت پیوســـته افزایش دهد منجر به تورم خواهد شـــد. حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی نیز نوعا از جنس اتفاقاتی بود که توانســـت یک تورم نقطه‌ای دو سه ماهه ایجاد کند اما تورم آن تداوم نداشت.»

وی ادامه داد: «در چنین شرایطی، وقتی کشور قرار است با یک شوک سیاسی که ارزآوری نفتی را کاهش می‌دهد مواجه شود، دولت ناگزیر است که انگیزه عدم بازگشت ارز حاصل از صادرات را کاهش دهد. علم اقتصاد، علم انگیزه اعمال بشـــر است و بازار توافقی می‌تواند برای بازگشت ارز صادراتی انگیزه ایجاد کرده و کمک کند.»

تعدیل تدریجی نرخ ارز بهتر از جهش دفعی است

گلوانی اشاره کرد: «شما می‌دانید که تقاضای ارزی که به هر دلیلی در بازار ارز نیما مرتفع نمی‌شود، سر از بازار ارز آزاد درمی‌آورد؛ هر چند بانک مرکزی این موضوع را ممنوع کرده بود اما به صورت عرفی بســـیاری از واردکنندگان ما ابتدا ارز خود را از بازار آزاد تامین می‌کنند و ســـپس اگر بعد از چند ماه، بانـــک مرکزی به آنها ارزی تخصیص می‌داد، آن را دریافت کرده و در بازار آزاد تسویه می‌کردند. این اتفاق باعث شده بود که فشار بر بازار آزاد افزایش یابد. امید است در بازار توافقی روند تخصیص و عرضه ارز بهبود پیدا کند.»

این کارشناس اقتصادی گفت: «بانک مرکزی باید به‌عنوان سیاست مکمل مانع از جهش‌های دفعی در نرخ ارز بازار غیررســـمی و آزاد شود، اتفاقی که متاســـفانه در بهمن ســـال ۱۴۰۱ و بهمن سال ۱۴۰۲ تکرار شد و ما شاهد افزایش ۲۰ الی ۲۵ درصـــدی نرخ ارز آزاد در عرض یک ماه بودیم. بانک مرکزی باید با تعدیل تدریجی نرخ ارز، مانع از ایجاد شـــوک شده و مانع از شوک‌های تورمی از این مسیر شود.»

وی خاطرنشـــان کرد: «اگر با بازگشـــت ترامپ، ارزآوری کشور از محل صـــادرات نفت کاهش یابد، ما چـــاره‌ای نداریم که به جای تثبیت نرخ ارز اسمی، به ســـمت تثبیت نرخ ارز حقیقی برویم. برخی‌ها وقتی از سیاست تثبیت صحبت می‌کنند منظورشـــان تثبیت نرخ ارز اسمی است که با توجه به بنیادهای اقتصادی ما معقول به نظر نمی‌رســـد و صرفا یک شوک تورمی انباشته را به تعویق می‌اندازد.»

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیم‌زاده
تلفن و فکس:
(۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم